

«نوع دوستی از نگاه پولس رسول و امام علی (ع) در روابط اجتماعی»

بشیر اشرفی^۱

قربان علمی^۲

زهرا حسینی حمید^۳

زهرا ابراهیمی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

چکیده

نوع دوستی در روابط اجتماعی در دو دین اسلام و مسیحیت اهمیت ویژه ای دارد، به طوری که از دیدگاه امام علی (ع) و پولس رسول، تضعیف آن باعث فروریزی روابط انسانی می گردد. از آنجا که در اسلام و بالاخص در نگاه امام علی مردم اهل و عیال خداوند هستند و در مسیحیت و نگاه پولس رسول، عضوی از بدن مسیح محسوب می شوند، محبت به آنها در واقع محبت به خود خداوند است، لذا او توصیه می کند که مسیحیان مهمان نواز باشند، از مریضان و داغدیدگان مراقبت نموده و در برابر کسانی که محتاج هستند سخاوتمند باشند. آنها به جای کار کردن برای رفع احتیاجات و خواسته های خود، می بایست برای همه مسیحیان کوشش کنند و مردم را در درآمد خود سهیم کنند. از مصادیق نوع دوستی در نگاه امام علی علیه السلام می-توان به ایثار، مهربانی، کمک به نیازمندان، مهمان نوازی، و گذشت... اشاره کرد، از نظر امام اصل و جوهره زندگی، ملامت و همواری نسبت به رنج های مردم است و آرامش نیز از رهگذر دوستی با مردم تحقق می یابد. از وصایای امام، همچنین توجه به وجدان اخلاقی در روابط با دیگران است. پژوهش حاضر به روش تحلیلی مقایسه ای نشان می دهد اگر محبت به مردم که نمودار محبت به پروردگار است بر روح آدمی حاکم گردد انسانی خدمتگزار و پرتلاش می سازد که هیچ گاه از نوع دوستی غفلت نمی ورزد.

واژگان کلیدی: نوع دوستی، امام علی (ع)، پولس رسول، روابط اجتماعی

^۱ گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ گروه ادیان و عرفان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

^۳ گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۴ گروه ادیان و عرفان، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

در جامعه امروز فقر معنویت و افول باورهای اخلاقی به شدت احساس می شود. دامنه گسترش اختلافات، مشاجرات، عدم گذشت و بخشش، زیر پا گذاشتن حقوق دیگران، خودخواهی، احساسات منفعت طلبی، توهین و تجاوز به حریم خصوصی، تعصب و غرور، حسادت، بدبینی، دروغ گویی، تهمت و خصوصا خشونتها در اجتماع رشد کرده است. اتفاقات و حوادثی که در فضای حقیقی و مجازی جامعه بروز پیدا می کند، نشان از وجود این بحران، خصوصا بد اخلاقی ها و به نوعی افول شدید اخلاق نوع دوستی، در جامعه دارد. به طوری که هم دولتها و هم صاحب نظران دینی به شدت درگیر این بحران اخلاقی شدند و دنبال راه حل اساسی برای «ترویج حس نوع دوستی»، احترام و دستگیری افراد از همدیگر هستند. به همین خاطر به نظر می رسد، یکی از مهم ترین راهها برای ترویج اخلاق نوع دوستی و زدودن آسیب های اجتماعی و ایجاد همبستگی و صمیمیت در جامعه، بررسی در سیره زندگی بزرگان دینی است، اینکه رفتار آنان با هم نوعان در جامعه چگونه بوده و چه راه حل هایی برای ناسازگاریها در جامعه می دادند؟ از آن جا که دین اسلام و مسیحیت از ادیان بزرگ جهان هستند و به ارزشهای اخلاقی، نوع دوستی، احترام به همدیگر، دستگیری از هم نوعان، گذشت، بخشش و پرهیز از خشونت، توجه ویژه ای دارند، بهترین نمونه آن الگوی رفتاری «امام علی (ع) در اسلام و پولس رسول در مسیحیت» است، امید است با تبعیت از آنها بتوان صداقت، جوانمردی، مهمان نوازی، گذشت و بخشش را در جامعه رواج داد، لذا بر آن شدیم برای بهبود روابط اجتماعی و درمان بی- تفاوتی انسانها نسبت به هم، نوع دوستی را در سیره و اندیشه این دو بررسی کنیم. اگر علمای علوم روان شناسی، اخلاق و تعلیم و تربیت بتوانند با استفاده از این الگو در روابط اجتماعی، این نوع از اخلاق را تدارک ببندند، به پیشبرد اهداف تربیت جامعه کمک شایانی نموده اند.

محبت ورزی و خدمت به خلق

از نظر پولس رسول رفتار ما باید شبیه عیسی مسیح باشد، هر چقدر بیشتر شبیه او می شویم، او بیشتر در جایی که ساکن شده است یعنی در قلبهای ما احساس راحتی می کند و نتیجه پیشرفت نامحدود مسیح، در وجود ما این است که: «مسیحیان در محبت ریشه کرده و با همدیگر مهربان و خوش اخلاق باشند.» (قرنیتان دوم ۱:۳) پولس رسول با نظر به اعتبار محبت و خدمت و نتایج فوق العاده آن، خدمتکاران را تشویق می کند وقتی به زحمات خود فکر می کنند، خسته خاطر نشوند، او افتخار می کرد به امتهای خدمت می کند، از رنجها و مصیبت هایی که به خاطر ایشان می کشید نا امید نمی شد، می گوید: «انسانها باید فخر کنند این زحماتی که آنها متحمل می شوند برای خداوند عیسی هستند.» (تسالونیکیان: ۵: ۲۱، ۱: ۲) از دیدگاه وی این حقیقت که ما مسیحی هستیم و منتظر آمدن مسیح، ما را از مسئولیت زندگی آزاد نمی سازد. ما باید به یاد داشته باشیم دنیا ما را می بیند، انسانهای نجات دهنده، ما را بوسیله ما داوری می کنند، ما باید بطور شایسته در برابر دیگران و خارجیان رفتار کنیم. (رومیان ۱:۷) وی تاکید می کند: در تصویر زیبایی که از نجات داریم و در محبت عظیمی که برای نجات دهنده داریم، باید یکدیگر را با تعلیم، نصیحت و پند، ترغیب و تشویق کنیم، چون ما در ابدیت با هم زیست خواهیم نمود، باید با یکدیگر و برای یکدیگر در یگانگی زیست کنیم. (قرنیتان دوم ۱۶:۴)

از نخستین سفارشات امام به کارگزاران خود، گشاده رویی، مهربانی، مدارا و نرمی با مردم بود. در قاموس امام اساس حکومت بر مدار و رفق استوار است. مدیریتی شایسته و پسندیده است که با نرمی و ملایمت باشد. (محدث ۱۳۸۵، ج ۷، صص ۱۴۵، ۱۶۹) لذا امام همواره به کارگزاران خود تاکید داشتند با مردم در تمام موقعیتهای، در نگاهشان، سخنشان و خدمتگزاریشان، از صمیم وجود، خوش رفتار باشند. (محمودی، ج ۱، ص ۴۱۰) هنگامی که امام ولایت بصره را به ابن عباس سپردند به او سفارش کرد: «سع الناس بوجهک . . . (نهج البلاغه، نامه ۷۶) با مردم گشاده رو باش. همچنین به مالک اشتر سفارش می کنند: «قلب خود را سرشار از مهربانی و لطف و محبت به زیر دستان نماید.» (نامه ۵۳) در نگرش امام (ع) از یک سو مسئله خدمت به خلق، قرب الهی و نوعی عبادت تلقی شده است و از دیگر سو، هر اندازه انسان در بُعد شناخت و معرفت حق تعالی رشد و تکامل پیدا کند در خدمت مردم بیشتر عشق می ورزد، (مجلسی، ۱۳۷۶، ج ۷۱، ص ۳۱۶) البته خدمت رسانی مسئله ای است که ارزش ذاتی دارد، همان گونه که خدمت به مومن از ارزش والایی برخوردار است خدمت به غیرمسلمان نیز ارزش است، چنانچه امام از پیامبر (ص) می فرماید: «پس از ایمان به خداوند، سرآمد تمام اعمال عاقلانه بشر دوستی و نیکی به مردم است، چه خوب و درست کار باشند، چه فاسق گناهکار.» (همان، ص ۳۱۹)

عفو و گذشت

از نظر پولس رسول همه ما حتی انسانهای افتاده هم، استعداد بی مهری و خشونت را داریم! متأسفانه حتی تجربه رستگاری نیز ما را از این وسوسه دور نمی کند، حتی کشیشان در واکنش به مسیحیان می توانند بسیار ظالم باشند، احتمالاً بدون اینکه قصدی داشته باشیم، همه ما گاهی ظالم می شویم، پولس رسول مهربانی را میوه روح نامید زیرا بدون مهربانی، روح در زندگی نمی تواند به طور موثری رشد کند. (امثال ۱۷:۱۱) (R. Laird Harris, 1911, p305) می گوید: «از شر همه تلخی ها، خشم ها، عصبانیتها، تهمتها، همراه با هر نوع سوء نیت رها شوید، با یکدیگر مهربان و دلسوز باشید، یکدیگر را ببخشید، همانگونه که خداوند مسیح شما را ببخشد.» (افسیسیان ۳:۱۷) هنگامی که یکی از اعضای قوم خدا نسبت به دیگری گناهی مرتکب می شود، آن دیگری باید او را ببخشد. ما اکثراً این گله و شکایت را می شنویم «ولی او نسبت به من گناه ورزید...» این دقیقاً نمونه وضعیتی است که ما باید در حینی که در آن قرار گرفتیم، فقط ببخشیم. اگر کسی نسبت به ما خطایی مرتکب نشده باشد، نیازی به بخشش وجود ندارد، اگر ما کسی باشیم که خطا کرده ایم پس باید رفته و طلب بخشش نمائیم و آن را نگاه نداریم. هیچ انگیزه ای والاتر از آنچه، در این آیه یافت می شود وجود ندارد؛ «چنانچه مسیح شما را ببخشید، شما نیز چنین کنید...» (کولسیان، ۲:۱۴) (Dunn, 1998, p. 125) (قرنتیان دوم، ۱:۴) در نامه به رومیان از مسیحیان می خواهد «از گناهان دشمنان خود نیز بگذرند.» «اگر ممکن است به قدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکوشید، ای محبوبان انتقام خود را مکشید، بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است؛ «خداوند می گوید؛ انتقام از آن من است، من جزا خواهم داد.» پس اگر دشمن تو گرسنه باشد، او را سیر کن و اگر تشنه است، سیرابش نما، اگر چنین کنی اخگرهای آتش بر سرش خواهی انداخت.» (رومیان ۲۰-۱۲:۱۸)

روح گذشت از تقصیر دیگران و نادیده گرفتن خطاها، از برترین مکارم اخلاقی در اندیشه امام علی (ع) است. ایشان یکی از ویژگی های متقین را «کظم غیظ» و فرو خوردن خشم و گذشت از مردم یاد می کند. (نهج البلاغه نامه ۵۳) می فرماید: «عفو و

گذشت به هنگام قدرت، روش فرستادگان الهی و اهل تقوا است.» (قمی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۲۰۷) عفو از صفات جمالیه خداوند است، در میان آدمیان یکی از درخشان ترین نشانه های جوانمردی و از باارزش ترین فضیلت های اخلاق انسانی به شمار می- رود، حضرت علی (ع) اهمیت آن را در بین ارزشها، همچون تاج خوانده و فرموده: «الْعَفْوُ تَاجُ الْمَكَارِمِ» عفو و گذشت تاج و زینت فضایل اخلاقی است. (آمدی، ص ۵۲۰) نکته مهمی که باید در عفو و گذشت مورد توجه قرار گیرد، این است که بدانیم در چه مواردی و در برابر چه کسانی می توان عفو و گذشت داشت و در کجا نباید عفو کرد؟ آنچه از بیانات امام به دست می- آید، این است که عفو و گذشت در مسائل شخصی، امری پسندیده است؛ اما در خصوص حقوق عمومی و الهی، این امر نکوهش شده است. به دیگر سخن، ما می توانیم در مسائلی که به خودمان برمی گردد، گذشت کنیم؛ اما در مورد حق الناس، چنین اجازه ای نداریم. در سیره امام آمده است؛ زمانی که حضرت خیردار شد یکی از فرماندارانشان از بیت المال سوء استفاده کرده، نامه ای شدید اللحن خطاب به او نوشت: «از خدا بترس! و اموال مردم را به آنها بازگردان! اگر این کار را نکنی و خداوند به من امکان دهد، بر تو دست یابم، وظیفه ام را در حق تو انجام خواهم داد، بعد فرمودند: به خدا سوگند، اگر از حسن و حسین چنین عملی سر می زد، با ایشان مدارا و مصالحه نمی نمودم..... (نامه ۴۱)

ایثار به انسانها

ایثار و از خودگذشتگی از مهم ترین فضایل اخلاقی است، از این رو، برای هدایت جامعه در همه موقعیت ها، موعظه و راهنمایی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید در مواردی ایثار کرد و متخلق به این اخلاق الهی شد. مسیحیان و هواداران آیین مسیحیت رایج در دنیا مدعی اند؛ منشأ ایثار در مسیحیت به مصلوب شدن حضرت عیسی بر می گردد، آن گاه که عیسی ایثار می کند و به صلیب کشیده می شود تا گناه آدمی بخشوده گردد. (میشل، ص ۶۶) پولس رسول با اندیشیدن به رنجها و بی حرمتی ها، ناخودآگاه به لحظاتی که در طول خدمت خوار و خفیف شد می اندیشد، او یک شبان حقیقی بود او قوم خدا را دوست می داشت، او یک شبان مزد بگیر نبود، بلکه شبان زبر دست حقیقی خداوند عیسی بود. (قرنیتان دوم: ۳:۱۴) او هر روزه از تمام کلیساها مراقبت می کرد، در اینجا او به بیان مقصود از این سخن می پردازد، اگر او می شنید، تنی چند از مسیحیان ضعیف هستند او خود این ضعف را حس می کرد، در کمال همدردی، رنجهای دیگران را متحمل می گردید، اگر مطلع می شد برادری در مسیح لغزش خورده است او خود می سوخت. آنچه قوم خدا را تحت تأثیر قرار می داد، او را نیز تحت تأثیر قرار می داد او در غمهای آنان محزون می شد، و در پیروزیهای آنها شادی می کرد. (قرنیتان دوم ۲:۲۸) در اینجا فلسفه پولس رسول را در یک پوسته می بینیم، او برای پول، شهرت یا لذت زندگی نمی کرد، می خواست زندگیش مثل زندگی مسیح باشد، «هالووی» اظهار می دارد: پولس از این شیوه برای جذب فیلیپی ها به روند تفکر خود استفاده می کند. او همچنین از این استفاده می کند تا «نوعی نوع دوستی آرام و منطقی» را که می خواهد در فیلیپی ها رو به جلو ببیند الگوی خود قرار دهند. (فیلیپیان، ۲:۱۴) (Holloway, 2018p24)

ایثار و مقدم داشتن دیگران بر خود، هر چند به چیز اندک، از برجسته ترین ارزشهای انسانی است که در سخنان امام تاکید شده «باعث ایجاد روح گذشت و فداکاری در جامعه می شود.» (قصار، ۵۰) امام علی (ع) در دوره خلافت بیش از هر وقت دیگر زاهدانه زندگی می کرد و می فرمود: «خداوند بر پیشوایان دادگر واجب کرده است زندگی خود را با طبقه ضعیف و

کم درآمد تطبیق دهند که رنج فقر، مستمندان را ناراحت نکند. (خطبه ۲۰) امام با زحمت و مشقت زیاد نانی تهیه کرده، برای فرزندان خود می‌برد، در راه سائلی اظهار نیازمندی کرد حضرت نان را به او داد و با دست خالی به خانه رفت، قرآن کریم ایثار مالی خاندان پیامبر را می‌ستاید: «غذای خویش را با آن که آن را دوست دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند.» (طیب، ۱۳۷۸، تفسیر آیه ۸ انسان؛ خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۱۶) امام (ع) چهار درهم پول داشت یکی را در موقع شب انفاق نمود، یکی را در روز، یک درهم آشکارا و یک درهم در نهمان. آنگاه این آیه نازل شد، مفسرین شأن نزول آن را برای این رفتار امام نوشته‌اند: کسانی که اموال خود را شب و روز، نهانی و آشکارا انفاق می‌کنند برای آنها نزد پروردگارش پاداشی است. (بقره/۲۷۴؛ شعیری، ۵۰۸، ص ۱۸۶، ۱۶۲؛ کلینی، ج ۱، صص ۱۶۶-۱۶۸؛ مجلسی ۱۰۳۷: ج ۳۵، ص ۴۲۱، العیاشی: ج ۱، ص ۱۵۱، الفخر الرازی، ج ۷، ص ۷۱) اما ایثار جان که مهمتر است، در شب هجرت «لیله المیبت» که قریش تصمیم گرفتند پیامبر را به قتل برسانند، امام به خاطر پیغمبر (ص) از جان خود دست شست و به استقبال مرگ رفت، این آیه نازل شد: «وَمِنَ النَّاسِ... کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به اینان مهربان است.» (بقره، ۲۰۷؛ دیار بکری، ۹۵۰، ص ۳۲۱؛ حلبی، ۹۷۵، ج ۲، ص ۲۵؛ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۹۸)

کمک به بیماران و بینوایان

یکی از برترین جلوه های نوع دوستی در اندیشه پولس رسول، کمک به بیماران و بینوایان است، کتاب مقدس به ما یاد می‌دهد: «صبر و شکیبایی خود را بر بیماران گسترش دهیم، صبر ثمره روح است، وقتی یاد می‌گیریم تسلیم روح القدس شویم، فرایندی است که شخصیت ما را تزکیه می‌کند و شکل می‌دهد و ما را از طبیعت انسانی به طبیعت آسمانی و به تصویر مسیح می‌برد.» (تیموتائوس اول ۵:۹) در همین راستا کمک به بیماران و زحمت کشان اشاره ایست به انجام اعمال رحیمانه در حق کسانی که بیمار، عذابار یا در تنگنا قرار دارند. (Todd D.still, 2015, p.55) پولس رسول هنگام بیماری زمان خود، به عنوان نماینده کلیسای آنتیوس، به اورشلیم «بیت المقدس» سفر کرد تا با رهبران جنبش اولیه عیسی مسیح در آنجا دیدار کند، پس از توافق مرتبط با اعتبار مأموریت خود، درخواست خود را به رهبران اورشلیم می‌افزاید: مبنی بر اینکه در آن مأموریت پولس رسول و یاران وی «فقرا» را بخاطر داشته باشند.» (Longenecker, 2017, pp.187-8) موافقت رهبران کلیسای اورشلیم با پولس رسول و روشهای صدقه دادن، در اشارات متعدد و تمامی کلیساها مورد توجه و به عنوان یک اصل قرار گرفت. (Hans conzelmann, 2015, P.124) نه تنها پولس رسول چند سال را به منظور سازماندهی وجوه اعانه برای «فقرا در میان مقدسین اورشلیم» در میان کلیساهای عمدتاً غیر کلیمی مأموریتش گذراند، بلکه نامه هایش خوانندگان را برای به اشتراک گذاری منابع مادی با نیازمندان تشویق می‌کرد. او به روش های خاص توجه به فقرا اشاره دارد: از جمله می‌توان به «وعده های غذایی گروهی، کمک به بیماران، مسافران، کمک به زنان بیوه» اشاره کرد و شرط ایمان برای آنها مهم نیست. (قرنتیان، ۱۱:۱۷-۳۴؛ روم ۱۶-۱۳:۱۲)؛ (Martin Dibelius, 1883, pp.475-83) یکی از دغدغه های اجتماعی در روزگار پولس رسول حضور زنان بیوه است، در نامه به تیموتائوس تاکید دارد: «بیوه زنان را اگر فی الحقیقه بیوه باشند، محترم دار ... زنی که فی الحقیقه بیوه و بی کس است، به خدا امیدوار است... باید نام او در کلیسا، برای کمک مالی ثبت گردد.» (تیموتائوس ۳:۵، ۴:۹) موضوع خدمت و تلاش برای رفع نیاز و بهبود بیماران، فقرا و افراد ورشکسته در اسلام از جایگاه والایی

برخوردار است، طوری که امام از پیامبر خاتم (ص) روایت می کنند: «مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ...؛ هر کس در برآوردن نیاز بیماری بکوشد، خواه آن را برآورد و خواه برنیاورد، از زیر بار گناه خویش بیرون می رود به سان آن روز که از مادر، زاده شده است.» (قمی، ج ۴، ص ۳۱۶) در حدیث دیگری از امام (ع) می خوانیم: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ؛ روزی را به وسیله صدقه بر خود فرود آورید.» (حکمت ۱۳۷). توصیه های امام برای دستگیری از نیازمندان در حدی است که خداوند را به عنوان «شاهد» یادآوری می کند و می فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى ... (همان، نامه ۵۳) خدا را، خدا را، درباره طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش، مردمی که چاره ای ندارند، حقی را که خداوند برای آن، نگهداری اش را به تو سپرده، پاس بدار و بخشی از بیت المال را به آنان اختصاص بده» (سیاست نامه امام علی (ع)، ص ۴۱۲، به نقل از طوسی، ج ۶، ص ۲۹۳) یکی از صفات پسندیده ای که قرآن کریم هم بدان اشاره دارد کمک کردن به صورت مخفیانه است تا آبروی آنها حفظ شود، لذاست که امیر مومنان تاکید داشتند، تا آنجا که امکان دارد به صورت مخفیانه نیازشان را برطرف کنند...ایشان اکثراً انفاقها و صدقات خود و رسیدگی به محرومان و مستمندان جامعه را در دل شب انجام می دادند تا ایشان را نشناسد. (طوسی، ج ۶، ص ۲۹۳)

مهمان نوازی

مهمان نوازی خصیصه نیکویی است که کتاب مقدس ما را به داشتن آن تشویق می کند، چنین روحیه ای که با سخاوتمندی همراه است، ریشه در شناخت خدا دارد و منتهی به جلال او می شود. (لوقا ۱۴:۱۲) پولس رسول در رساله به رومیان تاکید به مهمان نوازی (بخشندگی و سخاوت) دارد و آنرا از نعمت های مختلف مسیحیت می داند. در نامه به تیموتائوس و تیتوس، یکی از خصائص شیخ، ناظر یا رهبران کلیسا، تاکید به مهمان نوازی و باز کردن در خانه خود به روی غریبه ها است. «یک اسقف می بایست مهمان دوست باشد، درب خانه او باید همیشه برای غریبه ها باز باشد، برای کسانی که مشکلات شخصی دارند، یا ستم دیده و دل شکسته هستند، خانه او باید مکان شادی برای مسیحیان باشد، جایی که هر مهمانی مثل خود خداوند پذیرفته شود. پس او باید خیر دوست باشد، مردم خیر و چیزهای خیر، گفتار، فعالیتها و معاشرتهای او باید ظاهر سازد که وی دوستدار همه است.» (نامه به تیتوس ۸:۲، اول تیموتائوس ۳: ۲) نکته در این جاست، صرف ایمان به مسیح، مهم نیست و تاکید به کلمه همه دارد، در کلیسا بر روی همه باز باشد، همه کسانی که به کلیسا مراجعه می کنند. علاوه بر این تاکید دارد خدمت مهمان نوازی را نباید فقط نسبت به آنانی که دوست داریم و مورد قبول ما هستند محدود کنیم، بلکه کلام خدا ما را دعوت می کند که پذیرای غریبان نیز باشیم. او چنین آموزش می دهد: «و از غریب نوازی غافل مشوید زیرا که به آن بعضی نادانسته فرشتگان را ضیافت کردند.» (عبرانیان ۱۳: ۲؛ لوقا ۱۴: ۱۲-۱۴) پولس وجوه و اعاناتی را برای مهمانان، مسافران و غریبه ها در کلیسای اورشلیم تخصیص داده بود و این باعث شد در بقیه کلیساها و بعد از او به صورت یک رسم نهادینه شود. (تیموتائوس ۱، ۵: ۱۰)

برای جایگاه مهمان و مسافر و توجه به مخارج زندگی او در اصطلاح قرآنی و فقهی به مسافری که در راه مانده و مالی ندارد تا به وطن خود برگردد «ابن سیل» گویند اگرچه در وطن خود بی نیاز باشد. (قمی، ج ۱، ص ۳۲۴) در فرهنگ اسلام، مهمان حبیب خدا و مایه برکت است، پیامبر (ص) خطاب به امام علی می فرماید: «مهمان را گرچه کافر باشد، گرامی بدار» (ری شهری، ص ۴۰)

سیره زندگی شخصی امام بر پایه توجه به مهمانان و غریبه نوازی بود در سخنانی چند فرمودند؛ «الضَّيْفُ دَلِيلُ الْجَنَّةِ وَ مَنْ لَمْ يُكْرِمِ؛ مهمان، راهنما به سوی بهشت است. هر کس مهمان را حرمت و گرمی ندارد او پیرو من نیست. (تویسرکانی ۱۳۲۰ق، ج ۳، ص ۶۶) «مهمانت را گرمی بدار هر چند (به نظرت) حقیر و کوچک باشد.» (آمدی ۵۱۰ق، ص ۲۱۱) اللَّهُ اللَّهُ فِي الضَّيْفِ... خدا را! خدا را! در نظر بگیرد و حرمت مهمان را رعایت کنید! مهمان جز اینکه خوشنود و سپاسگزار شما باشد نباید از نزد شما خارج شود. (نوری طبرسی ۱۳۶۵، ج ۱۶، ص ۲۴۱) از جمله روایت مهمانان و نیازمندی که به در خانه فاطمه زهرا آمدند و سه شبانه روز به آنها غذا دادند و خود بدون شام شب را به سر بردند، چندین مورد در سیره زندگی آنان است. (طبرسی، ج ۲۶، ص ۱۴۷ فراهانی، ۱۳۶۰؛ جعفری، ۱۳۸۱، ص ۳۶۴) یک روز حضرت امیر(ع) گریه می کردند. از ایشان علت را جویا شدند. فرمود: امروز هفت روز است که مهمان بر من وارد نشده! خوف آن را دارم که خداوند عنایتش را از من سلب کرده باشد(نراقی ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۵۰؛ طوسی، ج ۶، ص ۲۹۳).

صلح و آشتی بین افراد (تلاش برای رفع مشاجرات و اختلافات)

اهمیت صلح و آشتی تا آنجاست که پولس رسول آن را ورد زبان و دعای خود کرده است: «ای عیسی، مرا وسیله صلح و آرامش قرار ده، من را مانند یک آهنگ ملایم و زیبا بنواز، هر جا که جراحت و زخمی هست، بگذار تا من بذر بخشش بپاشم، هر جا تنفر هست، بگذار تا من بذر عشق بپاشم... هر جا تاریکی است، نور و هر جا اندوه است، شادی بپاشم. باشد تا ما نیز پیام آور صلح باشیم.....» (رومیان، ۱۹:۱۴) این نمونه ای از دیدگاه پولس رسول به هستی و ارتباط با مردم و اصلاح آنهاست. نمونه عملی آن در مسافرت به فیلیپیان، تشویق به صلح و آشتی و اتحاد بر پایه فروتنی، همانند عیسی مسیح می کند. کلیسای فیلیپی از بسیاری لحاظ نمونه بود، ولی گرایشی مخفی به کشمکش در میان ایشان وجود داشت. اختلاف عقیده بین دو زن بنامهای «آفودی و سنتیخی» وجود داشت، که به سختی با هم کنار می آمدند، جزئیات و دلایل اختلاف های ایشان عنوان نشده است! اگر به روش پولس رسول برای رفع مشاجرات دقت کنیم می بینیم پولس رسول در کلیسای فیلیپی دو بار از کلمه «استدعا» استفاده می کند، تا حالت ملتسانه خود را برای ترغیب مخالفان به یک رأی بودن و آشتی نشان دهد، (فیلیپیان، ۲:۴) به ایشان اصرار می کند که در خداوند یک رأی باشند، او می گوید: برای ما غیر ممکن است که در همه چیزها، در زندگی روزمره خود متحد باشیم، فقط تا آنجا که به چیزهای خداوند مربوط می شود، امکان دارد، برای ما غیر ممکن است، مسائل جزئی را بپوشانیم، ولی به وسیله کار خداوند این کار امکان پذیر است. معمولاً وقتی بین دو نفر مجادله پیش می آید نفر سوم می تواند به مسأله کمک کند، شخصی با قدرت روحانی و داوری میتواند عامل آشتی و خیر در این بین باشد. (فیلیپیان ۴:۴) (John M. Drescher, 1974, p.56)

امام علی (ع) در جای جای نهج البلاغه سخنانی نغز و آموزنده درباره جنگ، صلح و اختلافات بیان کرده و راهی بسیار روشن، هماهنگ با عقلانیت ناب و وجدان پسند و جهان بینی الهی مطرح کرده است. در وصیتنامه خویش به فرزندان و بستگان و همه نسلها به ویژه حسنین (ع) فرمود: «أوصيكمُما و جميع ولدی و أهلی و من بلغه...نظم أمرکم و صلاح ذات بینکم.» (نامه ۴۷) شما و همه فرزندان و بستگان و هر که نامه ام به او برسد، به تقوا و نظم و اصلاح ذات البین سفارش می کنم.» سپس از پیامبر بزرگ اسلام (ص) نقل کرد: «صلاح ذات البین أفضل من عمه الصلاه .. (همان نامه ۴۷) اصلاح دادن میان مردم از همه نمازها و

روزه‌ها برتر است.» صلحی که خردمندان و خداپسندانه باشد و پشیمانی نیارد، خیر و خلاف آن، شر است. در نظام سیاسی و اجتماعی علوی، همان گونه که اصالت با صلح است، نهادهای صلح آفرین هم اصالت می‌یابند. وحدت از دیدگاه امام دامنه وسیعی داشت، علاوه بر مسلمانان و مستضعفان امت، همه انسانهای روی زمین را نیز شامل می‌شد. هدف آن حضرت در وحدت خواهی، تحقق عدالت اجتماعی و اقامه عدل بود. در نامه ای خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «موجهای فتنه را با کشتیهای نجات بشکافید، از ایجاد اختلاف و دو دستگی دوری گزینید، و نشانه های فخر فروشی را از سر بردارید.» (همان خطبه ۵)

رعایت حریم خصوصی «پوشاندن زشتیها و حسن ظن به همدیگر»

یکی از مهمترین جلوه های حریم خصوصی که مسیحیت بدان توجه کرده، حریم «عرض و آبرو» است. پولس رسول حتی ذهن و اندیشه انسان را مسؤل می‌داند و خطاب می‌کند: در مورد این اعتراض که خداوند گفته است: «حکم مکنید تا بر شما حکم کرده نشود.» (انجیل متی، ۵-۱: ۷) باید خاطر نشان سازیم که مقصود خداوند در آنجا انگیزه اشخاص بود، ما نباید بر انگیزه های انسانها حکم کنیم زیرا ما شایسته این نوع داوری نیستیم، اما کلام خدا کاملاً مشخص است که ما باید بر گناهیانی که در جماعت خدا شناخته شده هستند داوری نماییم، تا اینکه تقدس کلیسا را حفظ کرده و فرد خطاکار را دوباره به آغوش خداوند باز گردانیم.» (قرنتیان ۶: ۱۰) پولس رسول در اصول ممنوعیت اتهام زدن تاکید ویژه ای دارد؛ «بدون علم و آگاهی کسی را متهم نکنیم و یا فاش نکنیم.» این توصیه را ابتدا به رهبران کلیسا دارد. (تیموتائوس ۱۸: ۲) مفسران بر این باورند این آیه به طور خاص برای کشیشان کاربرد ندارد، بلکه برای تمام مسیحیان تاکید دارد که از اتهام زدن به هم نوعان خودداری کنیم. اما چارچوب متن آن را به کشیشان مرتبط می‌سازد. از این رو پولس با جدیت تمام تیموتائوس را در حضور خدا و مسیح و نیز در حضور فرشتگان برگزیده، این مسئولیت را به تیموتائوس می‌سپارد تا هنگامی که حقایق روشن نشوند، بر شخصی قضاوت نکنند. (تیموتائوس، ۳: ۱۶) در رویارویی با مسائل غیر اخلاقی فقط صفت بخشندگی و هدایتگری را در نظر می‌گیرد و بزرگوارانه هدایتگر انسانهای جاهل و بی‌خبر می‌شود. (قرنتیان ۲، ۳: ۱۲)

بیان کاستیها و نقاط ضعف دیگران از رذائل اخلاقی است که مکتب اسلام به شدت از آن نهی کرده، زیرا آبروی مسلمانان نزد خداوند بسیار محترم است. امام علی (ع) مردم را دور از عیب نمی‌داند، ولی با این وجود می‌خواهد، آنان یکدیگر را به نیکی یاد نمایند، در خصوص عیوب یکدیگر با بردباری رفتار کنند؛ چرا که خداوند متعال در این باب این گونه است. «إِنَّ لِلنَّاسِ عِیُوباً فَلَا تَكْشِفُ مَاغَابَ عَنْكَ فَإِنَّ اللَّهَ... یَحْلُمُ عَلَیْهَا» (قمی، الامالی، ص ۲۶۲ سخن ۳۵۰۲) ارزشمندترین بیان امام پیرامون این مهم که جنبه الزامی دارد، فرمان ایشان به مالک اشتر است، فرمان می‌دهد: «اگر گناهی از آنان سر می‌زند یا علت‌هایی بر آنان عارض می‌شود یا خواسته و ناخواسته اشتباهی مرتکب می‌گردند، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد. همانا تو از آنان برتر و امام از تو برتر. خدا بر آن کس که تو را فرمانداری مصر داد، والاتر است که انجام امور مصر را به تو واگذارده و آنان را وسیله آزمودن تو قرار داده است.» (نامه ۵۳) در ادامه همین بیان می‌فرماید: از رعیت، آنان را که عیب جوت‌رند، از خود دور کن؛ زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است. پس مبادا آنچه بر تو پنهان است، آشکار گردانی و آنچه هویدا است پوشانی

که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد. پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بپوشان تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند، خدا بر تو بپوشاند. (دشتی، ص ۵۷۰)

دعوت به نیکی و پرهیز از بدی

خیرخواهی از وظایف انسانها نسبت به هم می‌باشد، فریضه امر به معروف و نهی از منکر از بهترین مصداق خیر خواهی و نوع دوستی، با بی تفاوتی انسانها در جامعه منافات دارد. از نظر پولس رسول کلام مسیح به تعالیم مسیح که در کتاب مقدس یافت می‌شوند، اشاره می‌کند، ما باید با حکمت به تعلیم و نصیحت دیگران پردازیم، هر مسیحی در قبال برادران و خواهران خود نسبت به این مسئله، دارای مسئولیت است. تعلیم باید براساس آموزه باشد، در حالی که نصیحت یک وظیفه است، ما به برادران و خواهران خود در قبال سهم کردن ایشان در دانش خود نسبت به کتب مقدس، دارای مسئولیت هستیم و باید در پی کمک کردن به ایشان به وسیله عمل و مشورت روحانی باشیم. هنگامی که تعلیم و نصیحت در حکمت بیان شوند، پذیرش بیشتری در سخنان و رفتار ما به وسیله محبت یافت می‌شود. (قرنیا ۱۶:۳) تنبیه یک ایماندار همیشه باید در جهت احیای او و بازگشت وی نزد خداوند و قوم خدا باشد. این تنبیه نباید در روح تلخی یا خصومت انجام گیرد، تنبیه و تذکر یک انسان «باید با مهربانی و عطف همراه باشد.» با شخص خاطی نباید مثل یک دشمن رفتار شود، بلکه مثل یک برادر. (تسالونیکیان ۲، ۲: ۱۴) به مساله ای بسیار حیاتی توجه و تاکید دارند: «تبلیغ راستی همراه با محبت» بلیکی تذکر می‌دهد: «راستی عنصری است که ما باید در آن زیست کنیم و وجودمان به آن وابسته است... ولی راستی باید به طرز جدی با محبت پیوندد. از نظر پولس رسول «خبرهای خوبی که با خشونت بیان شوند خبرهای خوب نیستند زیرا زیبایی پیغام به وسیله روح سرکش پیغام دهنده خراب می‌شود.» (افسیسیان ۱۵:۴)

امر به معروف و نهی از منکر جزء فروع ده گانه دین اسلام است، امام علی (ع) توجهات خاصی به این موضوع دارد: «الامر بالمعروف افضل اعمال...» امر به معروف با فضیلت‌ترین اعمال خلق خداست. (غررالحکم، ص ۱۱۹) این گفتار که اطلاق نیز دارد، امر به معروف را نسبت به همه اعمال و کردار بندگان خدا، برتر و با فضیلت تر معرفی نموده است و به تنهایی ارزش والای این فریضه را اثبات می‌نماید. در جای دیگر، حضرت امر به معروف و نهی از منکر را غایت و هدف نهایی دین دانسته است. (آمدی ۵۱۰ق، ص ۴۶۹) اما مهم ترین نکته از نظر امام «لا تتركوا الامر بالمعروف ... فیولی علیکم شرارکم ...»؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ زیرا بدان بر شما مستولی می‌شوند و آنگاه دعا می‌کنید (برای نجات از آن وضع) ولی دعای شما مستجاب نمی‌شود.» (نامه ۴۷) از آثار مترتب بر امر به معروف از نظر امام، محکم نمودن دل مؤمنان و ایجاد پشتوانه برای آنان است تا کسی جرأت تعرض به حدود خداوند و زیر پا گذاشتن فرمان‌های الهی را به خود ندهد و نتواند در جامعه فساد و تباهی ایجاد نماید. «ایها الناس لولم تتخاذلو عن نصر الحق ...» (همان ص ۲۶۵) ای مردم، اگر در یاری حق پستی به خرج نمی‌دادید و در تحقیر و کوچک کردن باطل سستی نمی‌کردید، هرگز کسی از شما نسبت به شما طمع نمی‌ورزید و هیچ‌گاه فرد قوی بر شما مسلط نمی‌گشت.» (خطبه ۱۶۶)

رابطه با غیر هم کیشان

برای سنجش دیدگاه مسیحیان به غیر مسیحیان، با توجه به رفتار پولس رسول با یهودیان و قاعده «اصل محبت عام و نیکی به

دیگران» (رومیان ۹:۱۲) برخورد مسالمت آمیز همراه با احترام و آزادی عقیده سفارش شده، سپس پولس رسول فهرست بعضی از رفتارهایی را که هر ایمانداری باید در ارتباط خود با مسیحیان و با غیر مسیحیان نیز داشته باشد عنوان می‌کند. «ما باید از هرگونه بدی به همدیگر نفرت نماییم و به هر چیز نیکو بپیوندیم.» (همان) وظیفه ما را در قبال دیگر ایمانداران در قبال جامعه و در قبال دشمنان بیان می‌کند؛ «مسیحیان لزوماً نباید تحریک گر و ستیزه جو باشند، ما باید صلح را دوست داشته باشیم، صلح ایجاد کنیم و در صلح به سر بریم.» (رومیان باب ۱۲ تا ۱۸) او شرح می‌دهد رفتار عموم مسیحیان نسبت به همه مردم در خانه خدا باید چگونه باشد. خانه خدا در اینجا «کلیسای خدای حی، ستون و بنیاد راستی» تعریف شده است، برای همه مردم و هیچ قیدی ندارد. کلیسا بر روی زمین، واحدی است که خدا آن را برای اعلان و نمایش راستی برگزیده است، این امر کلیسایی را توصیف می‌کند که وظیفه دفاع و حمایت از حقیقت خدا بدون هیچ قید و شرطی برای همه مردم اعم از مسیحی و غیر مسیحی به وی سپرده شده است. (افسیسیان ۳:۱۵)

اقلیت‌های دینی در دیدگاه امام به عنوان بیگانه و اقلیتی که اختیاری در تعیین حقوق و سرنوشت خود ندارند، شناخته نمی‌شوند، بلکه به تابعیت حکومت اسلامی در می‌آیند، در اصطلاح فقه اسلامی تحت عنوان «ذمه» نامیده می‌شوند، از آزادی و حقوقی اجتماعی برخوردارند. (جوهری ۱۲۶۶ق ج ۲۱، ص ۲۹۴) از جمله: احترام به حقوق مدنی اقلیت‌ها، در دوران خلافت امام، هنگامی که پیرمرد از کار افتاده نابینایی را می‌بیند که از مردم تقاضای کمک می‌کرد، یکی را مأمور رسیدگی به حال وی نمود، پس از تحقیق گزارش داد: وی مسیحی است و از مردم درخواست کمک می‌نماید، امام از شنیدن این سخن آثار خشم در چهره‌اش آشکار گردید و فریاد برآورد: تا جوان بود او را به کار کشیدید و از نیروی او بهره گرفتید و اکنون که پیر و ناتوان گشته وی را به حال خود رها نموده و از احسان و کمک خویش محرومش می‌نمایید؟ آنگاه این فرمان ماندگار را صادر نمود: «انفقوا علیه من بیت‌المال، برای وی از بیت‌المال مستمری قرار دهید.» (طوسی، ج ۶، ص ۲۹۳) جریان گم شدن زره امام (ع) و شیوه دادخواهی آن حضرت از یک مسیحی که حامل آن زره بوده و چگونگی دادرسی در حضور محکمه و قاضی، نکات بسیار مهمی در زمینه حمایت از حقوق مدنی اقلیت‌های دینی را در بر دارد، هنگامی که قاضی از مدعی (امام) مطالبه دلیل و شاهد نمود و امام، شهادی به دادگاه ارائه ننموده، قاضی بی درنگ به نفع متهم (مسیحی) رأی صادر نمود و امام را ذی‌حق نشمرد. رعایت اینگونه عدالت توسط شخصیتی که می‌توانست بدون مراجعه به محکمه، زره خویش را از متهم بستاند وی را بر آن داشت که به پیدا کردن زره اعتراف نموده و آن را به امام (ع) بازگرداند و به اسلام بگروید. (مجلسی، ج ۹، ص ۵۹۸)

نتیجه گیری

پولس رسول بر پایه این پند، «یک مسیحی نباید راجع به هیچ کس بدگویی کند.» فرمانی می‌دهد که همه مسیحیان باید آن را در هر زمانی حتی در زمانهای جفا و سختی به یاد داشته باشند، دستور برای نگاه داشتن هر کس حتی از استهزا، تهمت، فحش یا بی احترامی لفظی، منتشر شده است. ما نباید جنگجو باشیم بلکه در پی صلح بکوشیم. ما باید ملایم باشیم، بدون فکر کردن به خداوند عیسی مسیح سخت است راجع به این کیفیت فکر کنیم. او رفتاری پر محبت، مهربان و صمیمی داشت و ما باید کمال حلم را با جمیع مردم بجا آوریم، حلم، ادب و مهربانی است. به نظر می‌آید که «تعلیم فروتنی» یکی از بهترین آموزه های مسیحیت باشد، لزوماً این به معنی فروتنانه فکر کردن به دیگران می‌باشد. توصیه می‌کند: تیطس می‌بایست به دیگر مسیحیان

تعلیم می داد: مهمان نواز باشند، از مریضان و داغدیدگان مراقبت نموده و در برابر کسانی که در احتیاج هستند سخاوتمند باشند. بجای کار کردن برای رفع احتیاجات و خواسته های خود، ایشان می بایست دید به همه مسیحیان داشته و برای سهم شدن درآمد خود با دیگران حریص می بودند. این کلمات منتقل کننده درجه عظیمی از محبت، دوستی و تشویق هستند. رفتار شایسته از نظر پولس رسول آن است که با وضعیت یک مسیحی به عنوان عضوی از بدن مسیح سازگار باشد. در این جملات بهترین و شایسته ترین توصیف یک رفتار ایده آل، یک شخصیت مهربان نسبت به مردم را می بینیم.

روابط اجتماعی از نظر امام علی (ع) بر مهربانی مهمان نوازی و دستگیری از هم بنا شده است، از نظر امام علی (ع) اصل و جوهره زندگی شخصی و اجتماعی و سیاست، ملایمت و همواری نسبت به رنج های مردم است. و آرامش نیز از رهگذر دوستی با مردم تحقق می یابد. در مورد رفتار محبت آمیز و توأم با تلافی نسبت به تمام مردم و پیروان ادیان، خطاب به کارگزار حکومتی خویش می گوید: «ای مالک قلب خود را از محبت به مردم و لطف و رحمت نسبت به آنان لبریز کن و همچون حیوان درنده ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروه اند، یا برادران دینی تو هستند و یا همانند تو در آفرینش» یا مسلمانند یا انسانهایی همانند تو و غیرمسلمان، با هر دو گروه مهربان باش. در بیان تحمل سختی ها و رنج هایی که از دیگران می بینیم فرمودند: شجاع ترین مردم کسی است که بتواند بوسیله حلم و بردباری، خشم خود را مهار سازد. اما در مورد محدوده روابط از دیدگاه امام و پولس رسول در توجه و دلسوزی و بردباری آنها با مخالفان و گنهکاران شکی نیست. هر یک به شیوه ای متفاوت، گاه مثل هم بهترین برخورد را داشتند. اما امام چون خود در مرکز حکومت بودند به محدوده روابط اجتماعی بهتر و کاملتر اشاره فرمودند و محدوده روابط نوع دوستی را بیان نمودند. با یک تمایز در اندیشه امام «تولی و تبری» «حب و بغض» دوست داشتن و بیزای جستن و تنفر از باطل است. که این دو از فروع دینی اسلام به شمار می روند. و هر مسلمانی باید با اهل حق دوستی کند و از اهل باطل بیزاری بجوید. اوج بیزاری، از سران شرک و کفر می باشد. پولس رسول از مسیحیان می خواهد «از گناهان دشمنان خود نیز بگذرند.» با این حال از سخن وی چنین بر می آید؛ گذشت نسبت به دشمن، صرفاً چشم پوشی از انتقام با هدف حفظ آرامش و صلح بوده و به معنای گذشت و بخشش واقعی و از صمیم قلب نیست.

منابع و ماخذ

قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه ای

نهج البلاغه

کتاب مقدس

آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۰۷ق) غررالحکم و دررالکلم، مصحح: رجائی، مهدی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، دار الکتاب الإسلامی قم

جعفری، محمد تقی (۱۳۷۹) حکمت اصول سیاسی در اسلام، تهران: نشر بنیاد نهج البلاغه.

خمینی، روح الله، (۱۳۷۰) صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام روح الله خمینی، تهران، وزارت فرهنگ.

خوانساری، آقا جمال الدین (۱۳۶۶) شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم، دانشگاه تهران.

- رى شهرى، محمد محمدى، (۱۴۰۳ق) ميزان الحکمه، بوستان کتاب، چاپ اول، قم.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن على الحسين بن بابويه القمى، (۱۴۰۴ق) من لا يحضره الفقيه، الطبعة الثانية، چاپ منشورات جامعه المدرسين قم.
- طبرسى، رضى الدين ابى نصر الحسن بن فضل، (۱۲۹۲ق) مكارم الاخلاق، محقق: محمد الحسين الاعلمى، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، بيروت.
- (۱۳۸۵ق) مشكاة الانوار فى غرر الاخبار، الطبعة ثانية: مؤسسه النور للمطبوعات، بيروت، كتابخانه حيدريه.
- طوسى، ابوجعفر محمد بن الحسن، (۴۶۰ق) التبيان فى تفسير القرآن، دار احياء التراث العربى، بيروت.
- قمى، عباس بن محمدرضا، (۱۴۰۲ق) سفينه البحار و مدينه الحكم و الآثار مع تطبيق النصوص الواردة فيها على بحار الانوار، فراهانى، تهران
- كلينى رازى، (۱۳۷۵)، ابوجعفر محمد بن يعقوب، اصول كافى، ترجمه و شرح سيد هاشم رسولى.
- مجلسى، محمداقبر، (۱۳۷۴)، بحار الانوار الجامعه لدرر الاخبار الائمه الاطهار، مترجم: سيد حسن موسوى، رضا رمضانى دارالكتب الاسلاميه، تهران.
- محدثى، جواد، (۱۳۸۰) اخلاق معاشرت، ناشر: مؤسسه بوستان كتاب، قم، چاپ چهاردهم.
- ميشل، توماس، (۱۳۸۷)، كلام مسيحى، ترجمه: حسين توفيقى، قم: مركز مطالعات و تحقيقات اديان ومذاهب.
- نراقى، ملا مهدى، (۱۴۰۷ق)، جامع السعادات، تعليق و تصحيح سيد محمد كلانتر، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات بيروت.
- نورى طبرسى، ميرزا حسين، (۱۳۸۳) مستدرک الوسائل، با مقدمه شيخ آقا بزرگ تهرانى،
- يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب بن جعفر بن واضح، (۱۳۵۶) تاريخ يعقوبى، دارصادر، بيروت، ترجمه محمد ابراهيم آيتى، چاپ دوم .

- 1- Hans Conzelmann (1993) The theology of St Luke /; translated by Geoffrey Buswell Hardcover
- 2- Holloway, Paul A. (2018) "Deliberating Life and Death: Paul's Tragic Dubitatio in Philippians 1:22– 26." Harvard Theological Review 111:2: 174-91.
- 3- James D. G.Dunn, (2006). The Theo logy of Paul The Apost le ,Printed in The United States of America
- 4- John, M. Drescher ,Spirit fruit Paperback – January 1, 1974
- 5- Longenecker, Richard N. (1971). The Ministry and Message of Paul. Contemporary Evangelical Perspectives. Grand Rapids, MI: Zondervan. ISBN 978-0-310-28341-6.

- 6- Martin , Dibelius (19۴۷). Geschichte der urchristlichen Literatur. (1966). Die Pastoralbriefe. Handbuch zum Neuen Testament. Vol. 13 (4th, enlarged edition by Hans Conzelmann ed.). Tübingen.)
- 7- R. Laird, Harris, (1949). Fundamental Protestant Doctrines. Wilmington, DE:
- 8- Todd D , Still, and Bruce Longenecker. Thinking Through Paul: An Introduction to His Life, Letters, and Theology. Grand Rapids: Zondervan, 2014.